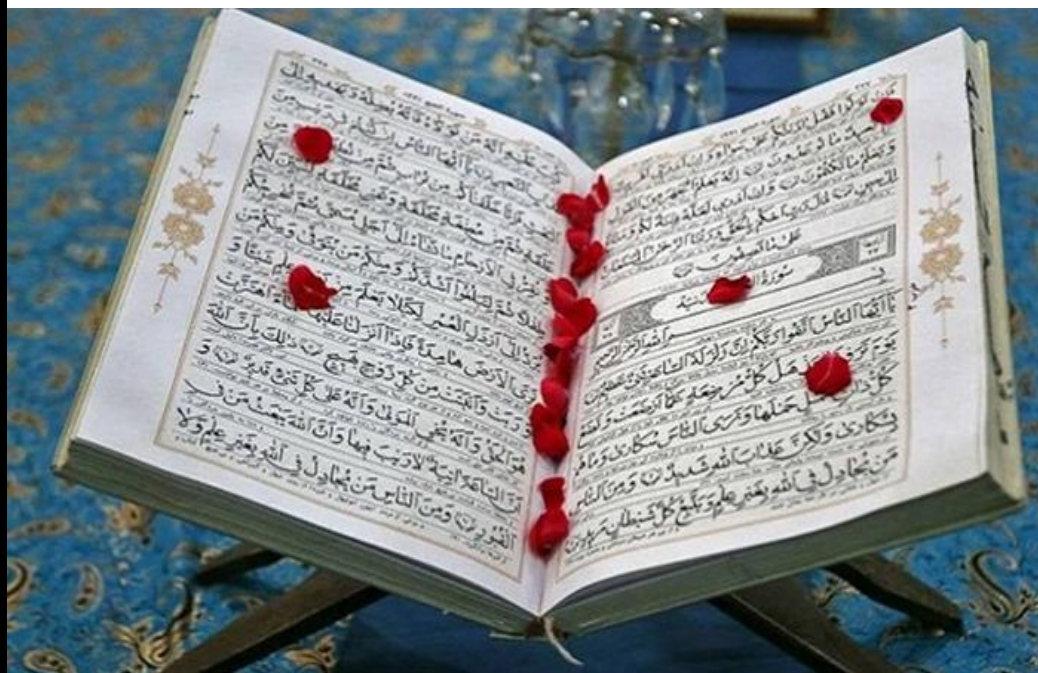


## بسم الله الرحمن الرحيم

### تفسیر نکات کلیدی در جزء بیست و ششم قرآن کریم



**نوید به کسانی که در**

**دینداری کم نمی آورند**

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴) - (احقاف)

بی تردید کسانی که گفتند:

پروردگار ما الله است، سپس

[در میدان عمل بر این

حقیقت] استقامت ورزیدند، نه

بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند؛ اینان اهل بهشت اند که به پاداش اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادند، در آن جاودانه اند. ۱۴۰

در این فراز قرآن کریم به کسانی که گفتند: «رَبُّنَا اللَّهُ» و بعد «استقامت ورزیدند» سه وعده ویژه داده است: «لَا خَوْفٌ» و «لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» و نیز «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا»

منظور از گفتن «رَبُّنَا اللَّهُ» اقرار و شهادت به انحصار ربوبیت در خدای سبحان است و مراد از آن پایداری و استقامت این است که آن ها از آنچه به حقانیتش شهادت می دهند و باور دارند؛ منحرف نمی شوند و رفتاری بر خلاف آن و بر خلاف لوازم آن نمی کنند.

قرآن برای رسیدن به این درجه از آرامش روحی، دو شرط را مطرح کرده است: ایمان و استقامت بر آن. استقامت بر ایمان به این است که انسان مراقب باشد عملش ادعایش را تکذیب نکند. بر اساس روایات این صبر و استقامت در سه حوزه باید رعایت شود: تحمل سختی عبادت، استقامت در برابر فشار گناهان و صبر در ناملایمات و مصائب

و چون خوف همیشه در جایی پیدا می شود که احتمال خطری در پیش باشد و اندوه وقتی به دل می آید که خطری واقع شده باشد؛ بنابراین نفی خوف و حزن از این عده به این معناست که ایشان هیچ خطر و عقابی نه در پیش رو دارند که از آن بترسند و نه در پشت سر داشته اند که از آن اندوهناک باشند (۱)؛ گذشته آن ها عبادت بود و بندگی خدا و آینده شان هم لطف

و پاداش خداست پس برای این گروه که باور کردند و بر باور خود پا فشردند و با عمل، ادعای خود را به امضاء رساندند جز امنیت و دل آرامی نیست نه از گذشته و نه نسبت به آینده.

در جمله پایانی با وعده‌ای حق آن‌ها را کسانی معرفی می‌کند که در بهشت موعود، جاودان خواهند ماند.

نکته این است که قرآن برای رسیدن به این درجه از آرامش روحی، دو شرط را مطرح کرده است: ایمان و استقامت بر آن. استقامت بر ایمان به این است که انسان مراقب باشد عملش ادعایش را تکذیب نکند. بر اساس روایات این صبر و استقامت در سه حوزه باید رعایت شود: تحمل سختی عبادت، استقامت در برابر فشار گناهان و صبر در ناملایمات و مصائب<sup>۲</sup>

آنچه در زیبایی ظاهر بین مؤمن و غیر مؤمن فرق می‌گذارد این است که مؤمن، زینت حقیقی خود را می‌شناسد و به دنبال آن است و در زیبایی ظاهر هم تا جایی پیش می‌رود که دین و ایمان به او اجازه می‌دهند بنابراین او هرگز برای حرام زینت نمی‌کند و به زیبایی خود چوب حراج نمی‌زند

زینت واقعی خریدنی نیست

وَلَا كُنَّ اللَّهُ حَبِيبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ<sup>۷</sup>

خداوند ایمان را محبوب شما و آن را مایه زینت دل‌هایتان قرار داد و در مقابل، کاری کرد که شما نسبت به کفر و فسق و گناه، نفرت داشته باشید.

میل به زیبایی انسان را وامی دارد تا خود را با انواع و اقسام وسایل تزئینی بیاراید و زیبا کند. اما این خواست طبیعی هم به مانند سایر در خواست‌های غریزی، هم پاسخ صادق دارد و هم پاسخ کاذب که اگر با عقل سلیم و آموزه‌های وحیانی خوراک صحیح به آن داده نشود به راحتی مشغول نوع کاذب آن شده و نمی‌داند چرا عطشش فروکش نکرده و به آن آرامشی که باید نمی‌رسد.

قرآن کریم وسایل تزئینی عالم را به سه دسته تقسیم می‌کند. در این تقسیم بندی ستارگان را زینت آسمان<sup>(۳)</sup>، آنچه روی زمین است زینت زمین<sup>(۴)</sup> و در این آیه «ایمان» را زینت انسان معرفی کرده است.

بنابراین زینت واقعی و حقیقی برای انسان زینت ایمان است که باید جان را به آن تزئین کنیم.

این سخن هرگز به معنای نادیده گرفتن بهداشت و زیبایی تن نیست؛ اگر جان به ایمان مزین شد همان ایمان، انسان را وامی دارد که به ظاهر خود توجه کرده و بهداشت و زیبایی را آن گونه که شایسته یک فرد مؤمن است رعایت کند.

آنچه در زیبایی ظاهر بین مؤمن و غیر مؤمن فرق می‌گذارد این است که مؤمن، زینت حقیقی خود را می‌شناسد و به دنبال آن است و در زیبایی ظاهر هم تا جایی پیش می‌رود که دین و ایمان به او اجازه می‌دهند بنابراین او هرگز برای حرام زینت نمی‌کند و به زیبایی خود چوب حراج نمی‌زند.

گمان‌های بد، برخی مطابق با واقعند و برخی مخالف آن. آنچه بی تردید گناه است آن گمان‌هایی هستند که مخالف با واقع باشند لذا فرمود: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». وجود همین دسته از گمان‌های حرام در بین گمان‌های بد کافی است حکم به

پرهیز از تمام آن‌ها بشود. بنابراین آیه شریفه مؤمنین را از هرگونه گمان بد (خواه موافق با واقع باشد؛ خواه مخالف) بر حذر می‌دارد آیه‌ای مهم درباره بدگمانی، تجسس و غیبت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (۱۲- حجرات)

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها در حق مردم بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است و در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهند تفحص و پی‌جویی نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌تردید از این کار نفرت دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

منظور از «الظَّنَّ» اولی، گمان‌های بد است که چون نسبت به گمان‌های خوب در میان مردم بیشتر است لذا از آن تعبیر به کثیر شده و گر نه حسن ظن یا همان گمان خیر، نه تنها ممنوع نیست بلکه به آن توصیه هم شده است). ۵.

گمان‌های بد، برخی مطابق با واقعند و برخی مخالف آن. آنچه بی‌تردید گناه است آن گمان‌هایی هستند که مخالف با واقع باشند لذا فرمود: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». وجود همین دسته از گمان‌های حرام در بین گمان‌های بد کافی است حکم به پرهیز از تمام آن‌ها بشود. بنابراین آیه شریفه مؤمنین را از هرگونه گمان بد (خواه موافق با واقع باشد؛ خواه مخالف) بر حذر می‌دارد.

هر گاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچک‌ترین اعتنایی به آن نکنید، طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با طرف تغییر ندهید، بنا بر این آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان بد می‌باشد

«تجسس» به معنی جستجوگری است که معمولاً در امور نامطلوب به کار می‌رود و عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم. از آنجا که اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند بنابراین هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی آن‌ها فاش شود). ۶.

در سومین و آخرین دستور که در حقیقت معلول و نتیجه دو برنامه قبل است می‌فرماید: هیچ‌کدام از شما غیبت دیگری را نکنند و برای آنکه قبح و زشتی این عمل را کاملاً مجسم کند پرده از راز آن گشوده و حقیقت باطنی آن را بیان کرده است که همانا خوردن گوشت مردار است.

## دو نکته

۱. از آنجا که گمان بد بردن معمولاً یک امر غیر ارادی است بنابراین نهی در آیه نهی از ترتیب آثار است، یعنی هر گاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچک‌ترین اعتنایی به آن نکنید، طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با طرف تغییر ندهید، بنا بر این آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان بد می‌باشد). ۷.

۲. نهی همراه با بیان واقعیت گناه که نمونه آن در این آیه در خصوص غیبت آمده، برای بازدارندگی بیشتر است و این مانند آن است که پدری دلسوز برای اینکه فرزندش به بخاری داغ دست نزند او را چنین نهی کند: «دست به بخاری زن!» می‌خواهی بسوزی؟! که این نهی همراه با بیان اثر آن کار، به طور قطع از اثر بازدارندگی بیشتری برخوردار خواهد بود.

روزی که پرده‌ها کنار رود لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲- ق)

[به او می‌گویند:] تو از این روز بزرگ غافل بودی، پس ما پرده غفلت را از دیدگاهت کنار زدیم در نتیجه دیدگاهت امروز بسیار تیزبین است. این آیه از خطابات روز قیامت است که در آن خطاب کننده خدا و مخاطب تنها کسانی‌اند که معاد را انکار کردند و دین را نپذیرفتند.

سه تعبیر در آیه وجود دارد که از اهمیت بالایی برخوردارند. یک از آن‌ها «غفلت» است. غفلت وقتی وجود پیدا می‌کند که میان چیزی در محدوده درک ما باشد و ما از بودنش غافل باشیم. تعبیر دیگر «غطاء؛ پرده» است و این تعبیر نشان می‌دهد چیزهایی موجود بوده اما پرده آویخته مانع می‌شده که آن‌ها دیده شوند. تعبیر سوم تعبیر به «حدت؛ تیزبینی» است و این نشان می‌دهد که اگر در گذشته هم مانند امروز چشم تیزبینی داشت می‌توانست تمام این‌ها را همان روز ببیند. ۸.

حقایقی که در قیامت رخ خواهد داد (حداقل بخشی از آن) هم اکنون موجود است و قابل مشاهده؛ زیرا فرمود تو از این‌ها غافل بودی یعنی بود و تو ندیدی و امروز که پرده‌ها کنار رفته و دیدگاهت بینا شده می‌توانی تمام آنچه بود را ببینی

### نکته‌های نهفته در آیه

۱. قیامت صحنه ایست که انسان واقعیت‌های همین دنیا را به عیان می‌بیند؛ همان واقعیت‌هایی که خود و دیگران با کارهای خوب و بد ساختند و از خود بر گذاشتند.

۲. آنچه که مانع دید انسان است و نمی‌گذارد باطن اعمال و واقعیت‌های زندگی را ببیند پرده ایست ضخیم که خود با تار و پود گناه و معصیت به هم بافت و بر دیده انداخت. اگر گفتیم که خود بافت و خود آن را در مقابل دیدگانش آویخت به دلیل تعبیر آیه است که فرمود «عَنْكَ غِطَاءُكَ» و نیز آیاتی که گناه را موجب کوری دل و دیده معرفی می‌کنند. ۹.

۳. حقایقی که در قیامت رخ خواهد داد (حداقل بخشی از آن) هم اکنون موجود است و قابل مشاهده؛ زیرا فرمود تو از این‌ها غافل بودی یعنی بود و تو ندیدی و امروز که پرده‌ها کنار رفته و دیدگاهت بینا شده می‌توانی تمام آنچه بود را ببینی.

### متقین، نیازمندان را سهم در مال خود می‌دانند

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵) أَخْذِينَ مَا أَرْتَهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶) كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷) وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱۸) وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹- ذاریات)

بی‌تردید پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه سارهایند. آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می‌کنند زیرا که آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند. آنان اندکی از شب را می‌خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می‌گذراندند] و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می‌کردند و در اموالشان حقی برای سائل تهی‌دست و محروم از معیشت بود.

یکی از صفات متقین این شد جدای از واجبات مالی مشهور مانند خمس و زکات با اهداء بخشی از اموال خود به نیازمندان از آن‌ها دستگیری می‌کنند

این آیات از سر آیاتی است که به توصیف متقین و پرهیزگاران پرداخته و اوصافی از آنان را مایه الگو گیری و تبعیت دیگر مؤمنان می‌شود را بیان می‌کند.

نکته‌ای که به نظر در این آیات نیاز به توجه بیشتر دارد قسمت پایانی آن است که می‌فرماید متقین بخش معینی از اموال خود را به نیازمندان تقدیم می‌کنند. شاید گمان شود که مراد از این اموال مشخص همان واجبات مالی مانند خمس و زکات است؛ هر چند برخی چنین تفسیر کرده‌اند اما از آنجا که این سوره مکی است و دستور آن واجبات مالی در مدینه نازل شد پس این تفسیر نمی‌تواند درست باشد و حق آن است که بگوییم همان گونه که برخی گفته‌اند، (۱۰) منظور از این حقی که در اموال متقین هست و ایشان به نیازمندان می‌دهند اموالی به غیر از خمس و زکات و واجباتی از این دست است.

پس یکی از صفات متقین این شد جدای از واجبات مالی مشهور مانند خمس و زکات با اهداء بخشی از اموال خود به نیازمندان از آن‌ها دستگیری می‌کنند.

پی نوشت ها:

۱-المیزان ج ۱۸ ص ۱۹۶

۲-الکافی ج ۲ ص ۹۱

۳-إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶- صافات)

۴-إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا (۷- كهف)

۵-«لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا»؛ چرا هنگامی که آن نسبت ناروا را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خودشان گمان نیک نبردند، و نگفتند: این تهمتی آشکار [از سوی منافقان] است؟! (۱۲- نور)

۶- ر.ک: نمونه ج ۲۲ ص ۱۸۱-۱۸۴

۷-همان

۸- برگرفته از المیزان ج ۱۸ ص ۳۵۰

۹-مانند آیه ۴۶ سوره حج

۱۰- نمونه ج ۲۲ ص ۳۲۳. نظر حضرت آیت الله جوادی آملی نیز همین است.

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>